

نویسنده: ماودا اسکندر «Mawadda Iskader».

منبع و تاریخ نشر: کریدل «2025-06-20».

برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل».

اگر آمریکا ایران را هدف قرار دهد، کشورهای
حوزه خلیج فارس با یک انتخاب روبرو خواهند
شد

*If the US targets Iran, Gulf states face a
choice*

همزمان با ورود ایران و کشور اشغالگر به رویارویی مستقیم، کشورهای
عربی خلیج فارس با تهدیدات بی‌سابقه‌ای برای امنیت، حاکمیت و حیات انرژی
خود مواجه هستند.

*As Iran and the occupation state enter direct confrontation, Arab
states of the Persian Gulf face unprecedented threats to their
security, sovereignty, and energy lifelines.*



عکاسی توسط کریدل

جنگ به سرعت در حال تشدید بین ایران و اسرائیل، کشورهای خلیج فارس را به
گردابی از خطرات ژئوپلیتیکی پرتاب کرده است. یاکه داخل می‌سازد. این کشورها که

در زمینی استراتژیک واقع شده‌اند و میزبان شبکه‌ای متراکم از تأسیسات نظامی ایالات متحده هستند، به خوبی می‌دانند که هرگونه تصمیم ایالات متحده برای پیوستن به جبهه جنگ، بی‌طرفی‌شان را از بین خواهد برد. در این صورت، سرزمین‌های آنها به اهداف خط مقدم تبدیل خواهد شد. یا در تحت تیرس قرار خواهند گرفت.

با تشدید جنگ اسرائیل با حمایت ایالات متحده علیه ایران، پادشاهی‌های خلیج فارس در تلاش برای ایجاد یک تعادل ظریف هستند - حفظ امنیت، محافظت از صادرات انرژی و اجتناب از یک جنگ بی‌پایان که می‌تواند بخش‌های حیاتی مانند هوانوردی و نمک زدایی را نابود کند. با این حال، آنها همچنان در دام شبکه‌ای از صف‌بندی‌های منطقه‌ای و وابستگی‌های استراتژیک گرفتار هستند که فضای کمی برای مانور آنها باقی می‌گذارد.

پیش‌درآمدهای دیپلماتیک در میان طوفان‌های آتشین :

بلافاصله پس از حمله «13» «جئون تل آویو» به سایت‌های هسته‌ای یا مکان‌های هسته‌ای و نظامی ایران، پایتخت‌های یا کشورهای خلیج فارس برای نشان دادن یک وضعیت تنش زدایی تلاش کردند. عربستان سعودی با پایتخت‌های یابا کشورهای اروپایی و منطقه‌ای - از برلین و بروکسل گرفته تا عمان و بغداد - تماس‌های دیپلماتیک گسترده‌ای را آغاز کرد و خواستار خویشتنداری شد.

قطر نیز با آنکارا، رم و اتاوا تماس گرفت، در حالی که امارات متحده عربی با پاریس، اسلام‌آباد و بوداپست هماهنگی‌هایی انجام داد. حتی کویت که به طور سنتی منفعل است و عمان که بی‌طرف است، از ترکیه برای کاهش تنش‌های منطقه‌ای کمک خواست.

بیانیه مشترکی از «20» کشورهای عربی و اسلامی، از جمله هر شش عضو شورای همکاری خلیج فارس (GCC)، هرگونه هدف قرار دادن تأسیسات هسته‌ای را محکوم کرد و درخواست‌ها برای منطقه‌ای عاری از سلاح هسته‌ای را تکرار کرد. اقدامات نمادینی نیز در پی آن صورت گرفت: امارات متحده عربی جریمه ویزا برای ساکنان ایران را لغو کرد و ریاض بازگشت زائران ایرانی را تسریع کرد.

با این حال، قاطع‌ترین صدای منطقه‌ای از سوی حمد بن جاسم، نخست‌وزیر سابق قطر، شنیده شد که هشدار داد فروپاشی ایران هرج و مرج غیرقابل‌کنترلی را به راه خواهد انداخت. او از حاکمان خلیج فارس خواست تا واکنش‌گتن را تحت فشار قرار دهند تا "فوراً" جنون اسرائیل را متوقف کند" و از فرو رفتن منطقه به جنگ تمام‌عیار جلوگیری کند.

بمب ساعتی پایگاه‌های آمریکایی

حضور نظامی ایالات متحده در سراسر خلیج فارس هم‌بازدارنده و هم‌تحریک‌آمیز است. قطر، تنها متحد خلیج فارس خارج از ناتو، میزبان بزرگترین پایگاه‌های ایالات

متحدہ در منطقه در العديد و السيليه است که در فاصله ۳۰۰ کیلومتری ایران قرار دارند - که کاملاً در بردیا در تیرس سیستم‌های موشکی قدیمی‌تر ایران است. کویت میزبان چهار پایگاه کلیدی ایالات متحده است؛ امارات متحده عربی، سه پایگاه؛ عربستان سعودی، بحرین و عمان هر کدام پشتیبانی لجستیکی و پدافند هوایی حیاتی را به آمریکائیان می‌دهند.

در حالی که کشورهای خلیج فارس حق قانونی برای وتوی عملیات آنها جمعی از این پایگاه‌ها را دارند، اگر واشنگتن تشدید تنش را انتخاب کند، این حاکمیت تا حد زیادی در حد تئوری است. مقامات ایرانی پیش از این روشن کرده‌اند که هر سکویی که در تجاوز استفاده شود، یک هدف تلافی‌جویانه مشروع در نظر گرفته خواهد شد. اگر حملات هوایی ایالات متحده از خاک خلیج فارس انجام شود، هیچ یک از این پادشاهی‌ها از عواقب آن در امان نخواهند بود.

فلج هوانوردی و لرزش‌های اقتصادی

با افزایش تنش‌ها، کریدورهای هوایی منطقه شروع به تعطیلی کردند. پروازها بر فراز ایران، عراق، لبنان و سوریه تغییر مسیر دادند، به حالت تعلیق درآمدند یا به طور کلی لغو شدند. امارات و قطر ایرویزده‌ها پرواز را لغو کردند، در حالی که فرودگاه بین‌المللی دبی دچار تاخیرهای پی‌در پی شد. هزینه‌های تغییر مسیر افزایش یافت.

هزینه‌های سوخت به شدت افزایش یافت. حجم مسافران کاهش یافت. ضربه مالی بلافاصله وارد شد: سهام ایر عربی 10 درصد سقوط کرد - شدیدترین افت از زمان بحران مالی 2008.

گلوگاه‌های انرژی در معرض تهدید

ایران دومین ذخایر بزرگ گاز طبیعی و سومین ذخایر بزرگ نفت جهان را در اختیار دارد. تنها یک حمله اسرائیل به یک سکوی گازی پارس جنوبی - متصل به میدان حیاتی شمالی قطر - قیمت نفت را بیش از (10) درصد افزایش داد. اگر درگیری ادامه یابد، پیش بینی می‌شود که قیمت‌ها ممکن است از «100» دلار در هر بشکه فراتر رود.

آن حمله، با وجود مصون ماندن تأسیسات قطر، بازارهای جهانی انرژی را تکان داد و اعتماد به نفس در مورد قابل اعتماد بودن خلیج فارس به عنوان یک صادرکننده را تضعیف کرد. شورای همکاری خلیج فارس با یک معضل روبرو است: در حالی که قیمت‌های بالاتر نفت به طور موقت درآمد را افزایش می‌دهد، شبح اختلال در زنجیره‌های تأمین و زیرساخت‌های هدف قرار گرفته، تهدیدی وجودی برای اقتصادهای مبتنی بر انرژی آنها محسوب می‌شود. حتی بسته شدن کوتاه مدت خطوط کشتیرانی یا اختلال در پالایشگاه‌ها می‌تواند باعث ضربه اقتصادی فاجعه‌باری شود.

تنگه‌ها در آستانه

تنگه هرمز شاه‌رگ حیاتی منطقه است - 20 درصد از گاز طبیعی مایع جهان روزانه از آب‌های باریک آن عبور می‌کند. ایران بارها هشدار داده است که در صورت حمله، ممکن است این تنگه را ببندد. چنین اقدامی صادرات کویت، قطر و بحرین را که فاقد مسیرهای جایگزین معناداری هستند، فلج خواهد کرد.

حتی عربستان سعودی و امارات متحده عربی، با خطوط لوله پشتیبان به دریای سرخ و دریای عرب، نمی‌توانند به طور کامل فشار استراتژیک هرمز را جبران کنند. در جنوب، تنگه باب‌المندب - که قبلاً توسط عملیات نظامی یمن علیه کشتیرانی اسرائیل مختل شده بود - شاهد کاهش ترانزیت روزانه نفت از { ۸/۷ میلیون بشکه در سال ۲۰۲۳ } به چهار میلیون بشکه در سال ۲۰۲۴ بود.

هرگونه بسته شدن همزمان هر دو تنگه فاجعه‌ای را به همراه خواهد داشت: حذف بیش از (۶۰) درصد از نفت خلیج فارس از بازارهای جهانی، که قیمت‌ها را بسیار فراتر از (۲۰۰) دلار در هر بشکه می‌رساند.

یک درگیری هسته‌ای و سایبری

یک خطر خاموش دیگر در راه است: ریزش رادیواکتیو. تأسیسات هسته‌ای ایران، که در نزدیکی آب‌های خلیج فارس واقع شده‌اند، یک خطر زیست‌محیطی قابل توجه ایجاد می‌کنند. نشتی ناشی از حملات یا خرابکاری اسرائیل می‌تواند اکوسیستم‌های دریایی را ویران کند و آب شیرین شده را غیرقابل آشامیدن کند - یک بحران وجودی برای قطر، کویت و امارات متحده عربی که تقریباً به طور کامل برای آشامیدن به آب دریا متکی هستند. کویت تنها «250» کیلومتر از نزدیک‌ترین راکتور ایران فاصله دارد و جریان‌های خلیج فارس از سواحل ایران سرچشمه می‌گیرند. با این حال، هیچ طرح جامع اضطراری منطقه‌ای وجود ندارد. همانطور که وزیر امور خارجه قطر اخیراً هشدار داد، حتی یک آلودگی جزئی می‌تواند منابع آب شیرین را ظرف چند روز به پایان برساند.

در همین حال، جنگ سایبری از سایه به صحنه اصلی منتقل شده است. اختلالات در تنگه هرمز در حال حاضر نزدیک به «1000» کشتی را مجبور کرده است که در بحبوحه پارازیت‌های احتمالی GPS به ناوبری آنالوگ بازگردند. کشورهای خلیج فارس اکنون با چالش هولناک دفاع نه تنها از مرزها و زیرساخت‌ها، بلکه از حاکمیت دیجیتال نیز روبرو هستند.

تناقضات استرات

عملیات سیل الاقصی در «۷ اکتبر ۲۰۲۳» هندسه سیاسی منطقه را تغییر داده است. کشورهای عربی خلیج فارس که مدت‌ها به حمایت ایالات متحده وابسته بودند، اکنون در

حال طفره رفتن هستند: عادی سازی روابط با تل آویو، دراز کردن شاخه های زیتون به سمت تهران و درخواست خویشتن داری استراتژیک از واشنگتن

اما این اقدامات متناقض - خشنود کردن اسرائیل، آرام کردن جمهوری اسلامی و تکیه بر ایالات متحده - با واقعیت منطقه ای که دیگر تحمل سکوت و بی تفاوتی را ندارد، در تضاد است. آنچه در حال ظهور است، یک سیاست غرب آسیا است که بر سه ستون بنا شده است: آشتی با ایران، عادی سازی مشروط با دولت اشغالگر و تکیه مداوم بر چتر امنیتی ایالات متحده. اینکه آیا این استراتژی شکننده می تواند در مواجهه با جنگی رو به گسترش دوام بیاورد، هنوز مشخص نیست. اما اگر شعله های آتش گسترش یابد، ظاهر ثبات خلیج فارس از اولین کسانی خواهد بود که خواهد سوخت

سطری چند در مورد نویسنده این مقاله :

مودا اسکندر روزنامه نگار و محقق متخصص در امور خلیج فارس است؛ او چندین مستند ساخته و تحقیقات منتشر کرده است.



مودا اسکندر

----- با احترام «2025-06-25»